

گردشگری و قابلیت‌های روستا

رضا سامه / پژوهشگر دکتری معماری / مدرس دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

rsameh@ut.ac.ir



سرزمین ایران واجد روستاهای با ارزشی است که تنوع و پراکندگی آنها بر مبنای شناسه‌های ارزشمند متأثر از موقعیت طبیعی و خصوصیات فرهنگی فراوان است. و قوف بر چنین تنوعی زمینه‌ساز انتظاراتی است که مقاصد اقتصادی، فرهنگی و در نهایت توسعه را در بردارد و خواسته یا ناخواسته از ویژگی‌های عصر حاضر به شمار می‌رود. لذا در مواجهه با این پدیده باید به‌گونه‌ای اندیشید که ضمن رفع تمامی ابهامات و تصورات ناسازگار با واقعیات جاری در روستا، محدودیت‌ها را به امکان و تهدیدات را به فرصت تبدیل نمود. در این راستا توجه به برخی ویژگی‌های ذاتی که به شکل قابلیت‌های نهفته در روستاها ظهور می‌یابند، بسیار راهگشا خواهد بود.

واژگان کلیدی: روستا، بوم، مکان، منظر، گردشگری

گردشگری در روستا: از قابلیت تا شایستگی

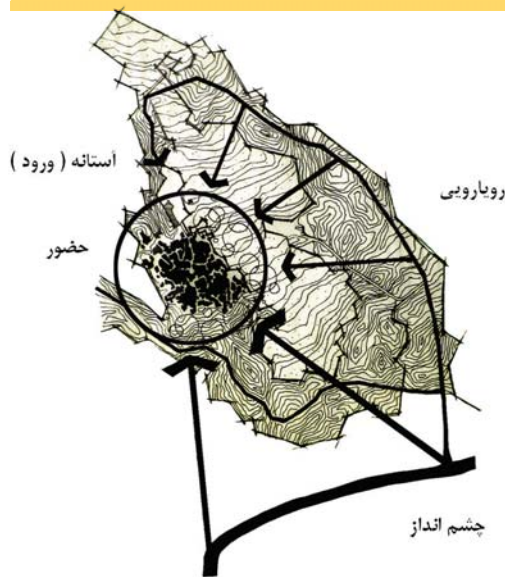
«قابلیت»‌های یک چیز، بخشی از داشته‌ها و توان آن است که ممکن است مورد شناخت و ادراک انسان قرار گیرند و یا نه. یک قابلیت تنها زمانی به مثابه یک «امکان» تلقی می‌شود که از سوی انسان تشخیص داده شود و توجه مؤثر به امکانات یک محیط ناشی از تشخیص صحیح و بجا، «فرصت»‌ها را برای استفاده یا رویداد یک رفتار مناسب رقم زند. هنگامی که فرصت‌های یک محیط بتواند بر محدودیت‌ها فائق آید، آن محیط «صلاحیت»^۴، «پرازندگی»^۵ و در نهایت «شایستگی»^۶ آن را می‌یابد به تلقی خاصی منسوب شود که نوع مواجه‌شدن با آن را مشخص می‌نماید.

امروزه شایستگی یک روستا به عنوان مقصد گردشگری، نه صرفاً به مؤلفه‌های ارزشمندی آن، بلکه به تمام قابلیت‌هایی وابسته است که آن را از سایر نمونه‌ها ممتاز می‌سازد. بنابراین تمام گونه‌های روستایی علی‌رغم احراز آن ویژگی‌ها، فرصت لازم در امر گردشگری را نمی‌یابند. از این رو امر گردشگری در روستاها قابل تعمیم به تمامی نمونه‌های واجد ارزش نبوده بلکه متوجه بروز چنین شایستگی‌هایی یا بسته به رویکرد متناسب با امر گردشگری است.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که در وهله نخست، این قابلیت‌ها در یک محیط روستایی کدام‌اند و ثانیاً نگرش شایسته و درخور موضوع چه ابعادی را شامل می‌شود؟ برخی از قابلیت‌های نهفته در موقعیت روستاها که شایسته است فرصت آن را بیابند تا در ظهور امر گردشگری مورد توجه قرار گیرند، عبارت است از:

روستا به مثابه محیط بومی

تجربه مواجهه با یک محیط بومی در روستاها از مهم‌ترین قابلیت‌هایی است که امروزه نسبت به مسئله گردشگری روستایی کمتر بدان پرداخته‌اند؛ چراکه مهم‌ترین سهم از محیط‌های بومی متعلق به سکونتگاه‌هایی است که در قالب روستاها پدید آمده‌اند و این برای افرادی که از چنین تجربه‌ای به دور افتاده‌اند، می‌تواند به عنوان یک جاذبه



تجربه مواجه شدن با روستا، مأخذ: نگارنده

گردشگری قلمداد شود. در سکونتگاه‌های روستایی، انطباق‌پذیری‌های انسان با محیط طبیعی برای تأمین فعالیت‌ها، تجربیات جدید، نیازها و پاسخگویی مناسب برای هر یک از آنها به صورت ابتدایی و متکی بر توان محیطی خود تحقق یافته‌است. لذا پیوند پر معنا میان انسان و طبیعت را می‌توان از بنیادی‌ترین مفاهیم در شکل‌گیری سکونتگاهی به نام روستا دانست. امروزه رجوع انسان به «آبادی» به بهانه گردشگری می‌تواند در جهت کشف قابلیت‌ها و مفاهیم آن همراه با محترم‌شمردن مکان از جانب وی و عهد به نگهداری از آن باشد.

روستا به مثابه مکان

روستا یا به تعبیر شولتز «آبادی»، صحنه رخداد سکونت طبیعی انسان در راستای هویت یافتن و به مکانی احساس تعلق داشتن

است. انسان از طریق «آبادی‌گزیدن» موقعیت خویش را در محیط طبیعی تثبیت نموده و با تکیه بر آن، به مبادله اندیشه‌ها، احساسات و فرآورده‌های مصنوع با هم‌نوعان خود می‌پردازد. این تصویر پدیدارشناسانه هدف از آبادی‌گزیدن را گردآوری جهان پیرامون در یک مرکز می‌داند تا انسان را به سکونت دعوت نماید. بنابراین احساس رسیدن به آبادی و قرار یافتن در آن، نه به عنوان مکانی متفاوت، بلکه جایی که کیفیت یک مکان یا محیط به‌صورت بومی در آن به توضیح درآمده است، اهمیت می‌یابد. به تعبیری دیگر روستا مکانی است که در آن زمین و آسمان به واسطه معماری برای آفرینش کلتی پرجذبه، در یکدیگر نفوذ کرده باشند و تجلی بازی آینه‌وار آسمان و زمین باشد. در این صورت، روستا قادر است در نقش یک هدف ظاهر شود، و متناسب با دورنما، بر پیکره پیرامونش چیره شود. این همان کیفیتی است که امکان خوانده‌شدن روستا تحت عنوان مکان را فراهم می‌سازد.

بنابراین تجربهٔ رویارویی با یک مکان از قابلیت‌هایی است که زمینهٔ مواجهه با آن در یک محیط روستایی فراهم و بهتر است به‌جای آنکه گردشگری روستاها را صرفاً به عنوان مقصدی جهت حضور در مکان در نظر آورد، فرصت تجربه و ادراک پدیدارشناسانهٔ آنها را در درک واقعی و ملموس یک مکان طبیعی فراهم آورد.

روستا به مثابه منظر

گیرایی یک مکان وجود انسان را تنها زمانی سرشار از شوق می‌نماید که تجربهٔ آن مبتنی بر رویدادی ناخودآگاه حاصل شود و این در صورتی است که «آگاهی» و درک از مکان، به تجربه‌ای تکرارنشده در ذهن تبدیل شود. حضور روستاها در گذشته، هرگز تداعی مقصدی بر میانهٔ راه نبوده است تا هدف قرار گیرد و تمام گردشگرانی که آنها را دیده و توصیف کرده‌اند، ناخودآگاه با آن مواجه شده و منظر ذهنی از آن به همراه دارند. روستاها جدای از آنکه خود به مثابه یک سکونتگاه به نسل‌های بشری تعلق داشته‌اند، در گذشته لحظه‌هایی در میانهٔ مسیرهایی بودند که تأثیری عمیق بر ذهن به جای می‌گذاشتند و نه شناختی عینی که در انطباق با ذهنیتی از پیش فراهم شده، به‌دست آمده باشد. بنابراین کیفیت

وقوف برحضور آنها، بر کیفیت ادراک و تجربه‌شان، بسیار مؤثر بوده است. اما امروز که بشر در خودآگاهی به سر می‌برد، آگاهی از کیفیت حضور روستاها بسیار هدفمند است. این خودآگاهی را امروز باید به عنوان واقعیتی تلخ یا شیرین پذیرفت و برایش برنامه‌ریزی کرد و آن را به سوی تعدیل سوق داد.

نقاط روستایی امروزه، مکان‌های جغرافیایی شناخته شده‌ای هستند که نامشان ثبت است؛ متولی دارند و خدمات به آنها ارائه می‌شود. اما این اقبال با برخی از آنان بوده که یا به دلیل دورافتادگی و یا کم‌توجهی نظام خودآگاه دولتی، هنوز به زندگی بومی خود تداوم بخشیده‌اند.

آگاهی حتی در سطوح خودآگاه، مسبب عزیمت و حرکتی^۸ در جهت کسب شناخت یا تجربه است. این حرکت به محرک‌هایی وابسته است که منظر ذهنی انسان را به‌صورت ابتدایی می‌سازند. امروز مردمان که به قصد تغییر ذائقه و دیدار از محیط‌های روستایی مسافرت می‌کنند، هدفشان از این عزم، خود مکان است و از حضور آنچه که انتظار دیدنش را می‌کشند، آگاهی دارند. بنابراین درک‌شان از مکان‌های گوناگون با تصورات ذهنی از پیش‌ساخته، در آمیخته است. بنابراین می‌دانند که به کجا

می‌روند؛ پس می‌روند؛ اما شاید ندانند که چه خواهند دید.

«رسیدن»^۹، پایان حرکت و آغاز تجربه است. گاه مسیری طولانی طی می‌شود تا احساس رسیدن حاصل شود. راه درازی که پیموده می‌شود، آمادگی رسیدن به مکان جدید را فراهم می‌سازد. بنابراین باید چشم‌اندازی برگزید که مکان را به روی نگاه بشر به روشنی آشکار نماید. در دریافت نخستین «چشم‌انداز»^{۱۰} است که رسیدن به مکان به معنای راستین، به وقوع خواهد پیوست. چشم‌انداز گاهی خود به هدف تبدیل می‌شود. خاطرات، مستلزم

احساس رسیدن به آبادی و قرار یافتن در آن، نه به عنوان مکانی متفاوت، بلکه جایی که کیفیت یک مکان یا محیط به‌صورت بومی در آن به توضیح درآمده است، اهمیت می‌یابد. به تعبیری دیگر روستا مکانی است که در آن زمین و آسمان به واسطه معماری برای آفرینش کلتی پرجذبه، در یکدیگر نفوذ کرده و تجلی بازی آینه‌وار آسمان و زمین باشد.



خوگرفتن و جهت‌گیری خاص نسبت به این هدف است که اهداف مشخص، راه‌های مشخصی را نیز در مقابل دارند و اگر این راه‌ها جهت‌زدایی شوند، فرد سردرگم شده و به طور ناقص در کار کشف آن مکان بر می‌آید.

هنگامی که فرد چشم‌اندازی را از محیط دریافت نمود، با نزدیک‌شدن، آن را در مقیاسی تازه، مقابل خود می‌بیند و کلیات آن را با جزئیات بیشتری لمس می‌نماید؛ به عبارتی، با آن «روباروی»^{۱۱} می‌شود. روبارویی راستین با مکان، پیش از ورود بدان رخ می‌دهد. در این لحظه، انتظارها برآورده و تصویری جدید، کشف و سپس شناخته می‌شود.

در روبارویی با مکان، منافذی جهت نفوذ به درون اهمیت می‌یابد که این منافذ، گزینش‌های گوناگون را ممکن می‌سازد و از این رو مفهوم آزادی را جلوه‌گر می‌گرداند. در اینجا «ورود»^{۱۲} که به معنای گذار از یک ناحیه، به ناحیه‌ای دیگر است، از یکی از منافذ به منزله آستانه آن رخ می‌دهد. پس از وارد شدن به مکان، وجود ما خود را در جهانی پر از چیزها و رویدادها آشکار می‌سازد. در این حال، در محاصره حجم خیره‌کننده‌ای از اشیاء پیرامونمان قرار می‌گیریم و لحظات مختلف و متنوعی بر ما عارض می‌شود که حتی با اینکه برخی خصیصه‌ها را در نمی‌یابیم، اما «حضور»^{۱۳} خود را در آن مکان احساس می‌کنیم.

در گذشته هر حضوری ناگزیر برساخته از کلیتی بود که خود را در پس زمینه هماهنگی، برجسته می‌ساخت. در واقع حضور همراه

با «ماوا گرفتن»^{۱۴} با مکان بود و نه بودن صرف در آن. امروزه مرزبندی مکان‌ها مخدوش شده است و تصویری از «ناکجا آباد» همواره در ذهن بشر از محیط زندگی خویش تداعی می‌شود.

«اقامت»^{۱۵}، گزینش از میان کیفیات مختلف در روبارویی است، سکنی‌گزیدن این روبارویی به رویدادها در مکان وابسته است و رویدادها امور ناپایدار و آنی را شامل نمی‌شوند؛ بلکه کشف کلیتی یکپارچه را در محیط به دنبال دارند. در ماواگزیدن و ماندن در مکان پس از رسیدن به آن، تجربه روبارویی به اقامت می‌انجامد و اقامت صرفاً به معنای تن دردادن و پذیرش مکان نیست؛ می‌توان لحظه حساسی در همنشینی میان طبیعت و انسان را در این نگاه احساس نمود.

با اقامت در مکان و پلایش آن به منظور نمایش یافته‌های خویش در واقع خود را در خانه خویش می‌یابیم زیرا جهانی را که پیموده‌ایم، همان تجربیات خویش است. شرط لازم برای کاربرد مکان، «خاطره»^{۱۶} است و نشانه‌ها و عناصر نمادین تقویت‌کننده آن است. کلیتی که این نشانه‌ها می‌سازند، بازگوکننده چیستی مکان است. این نشانه‌ها در چشم‌انداز دیده می‌شوند و در وهله نخست نمایشی از بناهایی که بر فراز یکدیگر سر بر آورده‌اند را ارائه می‌دهند. خصلت هر محیط، با کیفیت خودانگیخته آنکه با نشانه‌هایی شاخص در محیط به شکلی عینی هویت یافته است، بستگی دارد. بنابراین باید نخست چگونگی و چیستی مکان را دانست تا بتوان هویت آن را بازشناخت.

جمع‌بندی

همان‌طور که بیان شد، محیط صرفاً برآمده از کنش آدمی نیست؛ بلکه بیش و پیش از آن، فراهم‌آورنده جهان معینی است که این قبیل کنش‌ها را ممکن می‌سازد و چون اجزای سازنده این جهان به لحاظ کیفی متنوع هستند، نمی‌توان آنها را به یاری منطق فهم کرد. در زمینه محیطی، هر عنصر حضور خاص را دارد. اگر جهت‌گیری در میان نباشد، نه سفری هست و نه به مقصد رسیدنی و اگر شخص خود را با روح مکان یگانه نپندارد، هرگز به فهم و پذیرش قابلیت‌های آن دست نخواهد یافت. اساس درک، همان پذیرش قابلیت‌های محیط و فراهم‌آوردن مجالی برای تبدیل آنها به امکان و فرصتی شایسته در اموری چون گردشگری است.

پی‌نوشت

۱/ Affordance/ ۲/ availability/ ۳/ opportunity / ۴/ capability/ ۵/ fitness/ ۶/ competence/ ۷/ consciousness/ ۸/ departure
۹/ arrive/ ۱۰/ landscape/ ۱۱/ encounter/ ۱۲/ threshold/ ۱۳/ presence/ ۱۴/ domiciliation/ ۱۵/ stay/ ۱۶/ anamnesis

منابع

- سامه، رضا (۱۳۸۵) *زبان الگو: سرمشق طراحی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری دانشگاه تهران، تهران.
- سامه، رضا (۱۳۸۷) *بازشناسی الگوی استقرار طبیعی و شکل‌گیری یافت روستا. نمونه موردی: روستای نای‌بند*، فصلنامه آبادی، دوره جدید، شماره ۲۴.
- نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۱) *معماری: حضور، زبان و مکان*، ترجمه: علیرضا احمدیان، انتشارات معمار نشر، تهران.
- نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۴) *مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی*، ترجمه محمود امیرپاراحمدی، انتشارات آگاه، تهران.

